

مرجع‌شناسی و رویکردهای پژوهشگری

(۱)

علیرضا استیری

عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع)

چکیده

در این مقاله، سعی بر این است که پژوهشگران و علاقه‌مندان به تحقیق، مراجع مختلف را براساس «نوع» و نه «نام» آنها بشناسند. پس از آشنایی مختصر با مفاهیم اصلی مرجع‌شناسی، که در این شماره درج گردیده، کوشش شده است تا طبیعت اطلاعاتی هر مرجع و شیوه بهره‌گیری از اطلاعات آن شناسانده شود. برای آسانی درک مطلب از تمرینها و مثالهای ملموسی در این زمینه استفاده شده است. آنچه بیش از همه در این مباحث وجود دارد، نمایش ارتباط مؤثر پژوهشگر با کتابداران مرجع در کتابخانه‌های تحقیقاتی و دانشگاهی است که اهمیت آن در پژوهش کمتر مطرح شده است.

مقدمه

اگر از شما بپرسند موانع تحقیق و پژوهش کدام است براستی تا چه حد به عامل آشنا نبودن پژوهشگران به منابع مرجع و بطور کلی روش بهتر استفاده کردن از آن اشاره می‌کنید. آیا فکر می‌کنید تمام اطلاعات مورد نظر شما در بین اوراقی است که حتی برخی نام آن را نشنیده‌اند؟ آیا فکر نمی‌کنید کار پیدا کردن منبع و جستجوی اطلاعات برای برخی از شما طاقت فرسا شده در حالی که روش جستجو فقط با دانستن شیوه‌هایی سهل و آسان است؟

هدف ما در این مقاله تنها در این نکته نهفته است که هر سؤال تحقیق چگونه باید طرح شود تا خواسته‌های واقعی آن مطرح گردد و پس از آن، بفهمیم این نوع خواسته‌ها در چه نوع مراجعی، دقیقتر، سریعتر و مطمئن‌تر بازایی می‌شود. مطمئناً در عصر انباشتگی و حتی انفجار اطلاعات، که فاصله تولید کنندگان و مصرف کنندگان بطور تصاعدی در حال رشد است، تنها با برنامه ریزی «فرصتها» و برتری بر زمان می‌توان گامهای بلندتری برای جبران فواصل اطلاعاتی برداشت و انتخاب و شناسایی روشها و راه‌های میان‌بر حائز اهمیت است.

برای رسیدن به هدف، که به یاری خداوند در چند شماره به آن می‌پردازیم، لازم است در گام نخست، مفاهیم اساسی مرجع‌شناسی و نوع سؤال مرجع و همچنین ردیابی پاسخهای مناسب مطرح شود.

تعریف منابع مرجع^۱

واژه «مرجع» در زبان عربی بر وزن «مَفْعَلٌ» و اسم زمان یا مکان و به معنای زمان رجوع یا مکان رجوع است؛ مثل مسجد که محل سجود یا منفذ که محل نفوذ یا مشهد که محل شهادت و یا مغرب که هم بر محل غروب دلالت دارد و هم ناظر به زمان غروب است. بنابراین از ریشه‌یابی این واژه چنین برمی‌آید که هر منبع یا اثری که برای پرسشگر، دارای زمان و یا محل رجوع باشد، حکم کتاب و منبع مرجع را دارد؛ همچنانکه وقتی واژه‌ای لاتینی، فارسی و یا عربی در نظر شما مفهوم نیست و خواهان

اطلاع از معنی، تلفظ، ریشه، املا و بالاخره مترادفات آن هستند به فرهنگ لغت (واژه نامه) مراجعه می‌کنید. طبیعی است که این مراجعه دائمی نیست همچنین تمام واژه نامه مطالعه نمی‌شود. این خواسته یعنی اطلاع از یک لغت، زمان و محل مراجعه را به یک مرجع فراهم می‌سازد.

در اصطلاحنامه کتابداری^۲ در تعریف دقیق مرجع چنین آمده است: «منابع مرجع عبارت است از: ۱- کتاب یا دیگر مواد کتابخانه‌ای که تنها برای یافتن اطلاعات معین و محدودی تهیه و تنظیم شده است نه برای خواندن تمام کتاب مثل واژه‌نامه‌ها و دایرةالمعارفها ۲- کتاب یا دیگر مواد کتابخانه‌ای که معمولاً به امانت داده نمی‌شود و در قسمت مرجع نگهداری می‌شود و فقط در کتابخانه باید از آن استفاده کرد.»

با این تعریف می‌توان بخوبی مرز کتاب «مرجع» را از «غیر مرجع» باز شناخت و آنها را دسته‌بندی کرد.

اهمیت منابع مرجع

برای درک درست اهمیت کتاب مرجع، شاید بهترین روش این باشد که فضایی را مجسم کنیم که فاقد هرگونه کتاب مرجع باشد؛ مثلاً فرهنگ لغت که یک نوع مرجع به شمار می‌آید. اگر بخواهیم متنی را از زبان عربی به فارسی ترجمه کنیم؛ حتی اگر به عربی هم مسلط باشیم، باز از دانستن لغات فارسی بی‌نیاز نخواهیم بود. در هر حال، وجود ابزارهایی که تمام واژه‌های موجود و مورد نیاز را معادل‌یابی کرده باشد، اجتناب‌ناپذیر است. فرض کنیم هیچ فرهنگ لغت عربی به فارسی یا فارسی به عربی و حتی عربی به عربی هم وجود ندارد. در این صورت برای استفاده و شروع در کار ترجمه چند احتمال خواهد بود:

الف - از واژه‌نامه‌های چندزبانه استفاده کنیم که یک زبان آن عربی باشد.

ب - از یک استاد مسلط به زبان عربی استفاده کنیم که فارسی هم بداند.

ج - از استاد مسلط به زبان فارسی که عربی هم بداند استفاده شود.

د - تمام کتابهای ترجمه شده از زبان عربی به فارسی جستجو و معادلها استخراج شود.

هـ- از کتابهای آموزشی زبان عربی استفاده شود.

با این احتمالات، چگونه می‌توان یک کتاب را دقیقاً ترجمه کرد تا این ترجمه، وسیله‌ای کوچک برای توسعه دانش شود؛ به عبارت دیگر، این مقدمه مستلزم اجرای مقدمات طاقت فرسات. مثل این است که کتابی قطور بدون عنوان و فهرست مندرجات و حتی بدون شماره صفحه و دسته‌بندی مناسب و منطقی پیش روی شما باشد و بخواهید اولاً مطالب را بطور منطقی و متوالی تنظیم کنید و سپس از لابلای این نوشته‌های نامنظم بخواهید مطالب مورد نیاز خود را سریع به دست آورید.

فایده عملی کتاب مرجع، این است که بشر، امروزه ناگزیر نیست همه چیز را از راه تجربه شخصی کسب کند. لازم نیست همه کتابها را همه افراد داشته باشند، بلکه اگر نوع کتابخانه‌ها را بخوبی بشناسیم، می‌توانیم همواره اطلاعات مورد نیاز خود را به دست آوریم بدون اینکه اصراری در نگهداری آنها برای شخص خود داشته باشیم. اصلاً نباید نگران «ندانستن» بود بلکه باید مسیر «دانایی» را خوب شناخت. دیگر برای اطلاع از قطب شمال، لازم نیست حتماً به آنجا سفر کرد زیرا رسانه‌های قوی خبری و اطلاع رسانی و همچنین منابع تهیه شده در این مورد می‌تواند بخشی از اطلاعات و تجربیات دیگران را به ما منتقل کند و ما برای تکمیل چنین مجموعه اطلاعاتی می‌توانیم، کار را ادامه دهیم.

به فرموده حضرت علی(ع) وقتی انسان تاریخ گذشتگان را بدرستی مطالعه می‌کند، گویا با آنها زندگی کرده است. نقش منابع مرجع در حال حاضر، همچون گوهرهای تابناک معلوماتی است که در دل تاریکی مجهولات می‌درخشد و بدون نور این گوهرها نمی‌توان قدم در دشت هولناک جهل بشری گذاشت و دامنه علم و دانش را گسترش داد. پیشینیان، رنج اولیه تدوین منابع مرجع را برای ما متحمل شده‌اند تا ما با تحقیق و تفحص بیشتر، منابع مرجع دیگری را برای آیندگان به جا بگذاریم. امروزه با مجهز بودن انواع کتابخانه‌ها به تجهیزات منابع مرجع، کوچکترین تردیدی برای بازیابی هر نوع اطلاعاتی در کتابخانه وجود ندارد؛ مشروط به اینکه دو عامل اصلی تقویت شود:

۱- تربیت و حمایت کتابداران مرجع و متخصص

۲ - تجهیز و تقویت منابع مرجع، مخصوصاً در کتابخانه‌های دانشگاهی و تخصصی

انواع منابع مرجع

امروزه، منابع مرجع به شکلهای سنتی و مدرن وجود دارد؛ از روزنامه، کتاب و پایان‌نامه گرفته تا میکروفرم^۲ دیسکهای لِرزان^۳ و فشرده^۴ علاوه بر این، وجود متخصصان در رشته‌های مختلف، حکم منابع انسانی مرجع را دارند که گاهی کتابداران با آخرین دستاوردهای تکنولوژی همچون فاکس و شبکه‌های کامپیوتری، برای حل مسائل و اطلاع‌رسانی به پژوهشگران با آنها تماس می‌گیرند. بطور کلی، منابع مرجع را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱- ردیف اول ۲- ردیف دوم. در مورد این تقسیم‌بندی نیز دو دیدگاه متفاوت وجود دارد. در یک نظریه به منابعی ردیف اول گفته می‌شود که پژوهشگر بتواند با باز کردن آن مرجع، بطور مستقیم اطلاعات مورد نیاز خود را بیابد؛ مثل واژه‌نامه که برای جستجوی یک واژه، کافی است املای آن و نیز تنظیم الفبایی آن زبان خاص را بدانیم تا به مطلب مورد نظر دست یابیم. مطابق این نظریه، منابع ردیف دوم، منابعی است که با یک واسطه که اغلب نمایه^۵ است به مطلب مورد نظر خواهیم رسید مثل کتابشناسیها و فهرستها؛ درست مثل اینکه کسی از شما آدرس دانشگاه تهران را بپرسد. برخورد شما به عنوان پاسخ دهنده دو گونه است: او را همراه خود به دانشگاه تهران می‌برید، یا اینکه آدرس دانشگاه تهران را به او می‌دهید. نوع اول، خدمات اطلاعاتی و خاص منابع ردیف اول، و نوع دوم خدمات، ارجاعی که مخصوص منابع ردیف دوم است.

از دیدگاه دیگر، صاحب‌نظرانی همچون کتس^۷، معتقدند که منابع ردیف اول، منابعی هستند که پژوهشگر، خبرنگار، و نویسنده برای اولین بار از آن استفاده می‌کنند؛ مثل درج خبری عینی توسط خبرنگار حاضر در صحنه و یا استفاده از یافته‌های علمی که محقق، آن را در گزارش علمی خود قید می‌کند و منابع ردیف دوم، منابعی همچون کتابشناسی فهرست، مقالات و... است. که با استفاده از منابع ردیف اول تدوین می‌شود. به هر حال دو نظریه در تقسیم منابع مرجع قابل استفاده است.

کتابداران و خدمات مرجع^۸

در بین متخصصان دانش کتابداری و علوم اطلاع رسانی، روتشتاین^۹ اولین کسی است که مفهوم «خدمات مرجع» را از سال ۱۸۷۵ رایج کرد؛ هر چند که قبل از او، خدمات کتابداران به مراجعه کنندگان قدمت دیرینه‌ای داشت.

در مجموع، ارائه تعریفی جامع از خدمات مرجع به گفته کتس کار دشواری است. او در تأیید گفته خود با نقل قول جمله‌ای از آدلر^{۱۰} می‌کوشد تعریف جنبی از آن به دست دهد. آدلر در تعریف ریاضیات گفته بود که ریاضیات را نمی‌شود تعریف کرد، بلکه باید گفت ریاضیات کاری است که ریاضیدانان انجام می‌دهند. کتس نیز «خدمات مرجع را کاری می‌داند که کتابداران مرجع انجام می‌دهند»^{۱۱}

در سال ۱۹۳۰، جیمز وایر^{۱۲} برای اولین بار نظریه‌ای در مورد خدمات مرجع ارائه کرد. او سه نوع دیدگاه را در این مورد برای کتابداران مرجع ذکر می‌کند:

الف - دیدگاه محافظه کارانه:^{۱۳} در این دیدگاه کتابدار تنها به آموزش و راهنمایی مراجعه کننده بسنده می‌کند و در صورتی به او کمک خواهد کرد که مراجعه کننده بطور واقعی دست نیاز به سویس دراز کند.

ب - دیدگاه لیبرالی:^{۱۴} در این دیدگاه کتابدار مرجع حداکثر کمک را به مراجعه کننده می‌کند و بر خلاف نظریه پیشین، او برای کمک به استقبال مراجعه کننده خواهد رفت. و با تمام توان سعی در گردآوری اطلاعات مراجعه کننده دارد؛ حتی اگر منابع لازم در کتابخانه خودش نباشد.

ج. دیدگاه میانه رو:^{۱۵} در این مورد حد وسط دو دیدگاه قبلی در نظر گرفته می‌شود. طرفداران این نظریه که بیشتر کتابداران را تشکیل می‌دهند، بر این باورند که با این دیدگاه، هم رضایت مراجعه کننده تأمین می‌شود و هم افراد بیشتری می‌توانند از خدمات مرجع بهره‌مند شوند.

روتشتاین نظریه سه گانه دیگری را در این مورد ارائه می‌کند. او سه حد: کم، متوسط و زیاد را به ترتیب بر اساس «ترس»، «مصلحت» و «اعتماد» برای خدمات مرجع قائل می‌شود. به نظر او وقتی دانش و توانایی کتابدار برای پاسخگویی به سؤال مراجعه کننده

اندک باشد، می‌کوشد به مراجعه‌کننده کمترین کمک را بکند تا ناتوانی خود را بروز ندهد. اما اگر مراجعان یک کتابخانه زیاد باشند و او به دلیل فراوانی مراجعان از کمک زیاد به آنها ناگزیر باشد، این امر ناشی از ترس او نیست.

در حد متوسط، کتابدار مرجع، می‌کوشد با توجه به موقعیت، در مورد میزان کمک به مراجعه‌کننده تصمیم بگیرد. بنابراین گاهی مراجعه‌کننده‌ای از کمک زیاد کتابدار بهره‌مند است و مراجعه‌کننده‌ای دیگر به میزان کمتر مورد حمایت قرار می‌گیرد. یا اینکه ممکن است همان مراجعه‌کننده در زمان دیگر کمک بیشتری دریافت دارد. این نظریه مبتنی بر اصل «مصلحت» استوار است.

در اصل «اعتماد» کتابدار مرجع به کار خود کاملاً مسلط و به دنبال کسی است که در کتابخانه محتاج کمک باشد. اگر چه به او مراجعه نکرده باشد؛ اما در هر حال نهایت تلاش را در کمک لازم به وی می‌کند.

علاوه بر این نظریه، کتس هم نظریاتی دارد. او نقش کتابدار را به عنوان محور اصلی خدمات مرجع در نظر می‌گیرد و معتقد است که کتابدار مرجع واسطه‌ای بین فرد و نیاز اوست.^{۱۱}

انواع سؤال مرجع

بطور کلی در هر سؤال مرجع، دو متغیر اصلی وجود دارد:

الف - داده ب - خواسته

همواره داده‌ها در ساختار ظاهری سؤال جلوه می‌کند و خواسته‌ها معمولاً پوشیده است؛ مثلاً در سؤال: "نویسنده کتاب الغدیر کیست؟" داده، نویسنده کتاب الغدیر و خواسته نام شخص نویسنده است. در سؤال دیگری همچون "بلندترین قله جهان چقدر ارتفاع دارد؟" در واقع با یک داده و دو خواسته روبرو هستیم. بلندترین قله جهان داده، ولی نام آن یک خواسته، و همچنین میزان ارتفاع آن خواسته دیگر است.

فرایند هر سؤال بر چهار عامل متوالی مبتنی است:

الف. سؤال‌کننده

ب. سؤال

ج. پاسخ دهنده

د. منابع پاسخ

سؤال کننده، پرسشی را مطرح می‌کند و پاسخ دهنده با استفاده از منابع مناسب به آن پاسخ می‌دهد. اگر سؤال مراجعه کننده از کتابدار مرجع، ابهام نداشته باشد، کتابدار مرجع با تشخیص درست، می‌تواند منابع مورد نظر او را در اسرع وقت شناسایی و معرفی کند. بر عکس، اگر طرح سؤال مبهم باشد، کتابدار مرجع مجبور است در برابر سؤال مراجعه کننده، سؤالهایی را نیز از او پرسد؛ به عنوان مثال، اگر مراجعه کننده‌ای از کتابدار این سؤال ابتدایی را پرسد: «کتابهای مرجع کجاست؟» طرح چنین سؤالی از سوی مراجعه کننده بخوبی نشان می‌دهد که او کتاب مرجع را می‌شناسد و تنها محل آنها را در کتابخانه نمی‌داند. در این صورت کتابهای مرجع، داده و محل آن، خواسته سؤال است. اما اگر همین سؤال به صورت زیر مطرح شود: «آیا کتابهایی که اطلاعات زیاد و صریحی درباره یک موضوع داشته باشد، دارید یا خیر؟» این سؤال صراحت لازم را ندارد و پیش از اینکه کتابدار را به پاسخ مقید کند به سؤال مجبور می‌کند. اینجاست که مثلاً می‌پرسد: «شما چه نوع اطلاعاتی می‌خواهید؟» و او موضوع خود را بیان می‌کند. چنانچه طرح موضوع، دوباره از نظر کتابدار سؤال برانگیز باشد، مصاحبه مرجع^{۱۷} ادامه می‌یابد تا زمانی که هر دو استنباط مشترکی از «نیاز اطلاعاتی» پیدا کنند.

عقیده بسیاری از صاحب نظران، این است که بیشتر مراجعه کنندگان نمی‌توانند منظور خود را بفهمانند و سؤال خود را معمولاً بر اساس آنچه می‌دانند تنظیم می‌کنند و نه آنچه نمی‌دانند. فاسکت^{۱۸} در این مورد گفته است: «وقتی پژوهشگری کار پژوهشی خود را شروع می‌کند، می‌داند که در دانش او شکافی وجود دارد که باید آن را پر کند. لیکن از وسعت جهل خود بی‌خبر است.»^{۱۹}

در هر حال از مجموع نوشته‌ها و تجربیات در این زمینه، می‌توان سؤالات مرجع را در چهار گروه طبقه‌بندی کرد:

۱- سؤالات راهنما:^{۲۰}

در این نوع سؤالات، معمولاً کتابداران مرجع از اینکه وقت خود را صرف پاسخ دادن به سؤالات معمولی و پیش پا افتاده نظیر: «برگه‌دان کجاست؟» یا «کتابخانه تا چه ساعتی باز است؟» می‌کنند راضی به نظر نمی‌رسند. در اینجا نقش کتابدار مرجع برای ایجاد ارتباط مراجعه‌کننده با مراجع، بسیار ضعیف است.

۲- سؤالات ارجاع آماده:^{۲۱}

این نوع سؤالات، ارزش بیشتری نسبت به سؤالات قبل دارد و طبیعی است که وقت بیشتری از کتابدار مرجع را می‌گیرد. اما در هر حال پاسخ به این نوع سؤالات هم در منابع کاملاً مشخصی وجود دارد و نقش کتابدار مرجع بیشتر ارجاع دادن به مطلب مورد نظر است. سؤالاتی نظیر: «جمعیت کل کشور در سال ۱۳۷۰ چقدر بوده است؟» «بزرگترین قاره جهان کدام است؟» از این دسته است.

۳- جستجوی ویژه:^{۲۲}

در این مرحله که سطح بالاتری نسبت به مراحل پیشین دارد، مراجعه‌کننده در پی دریافت اطلاعات خاصی به کتابدار مرجع مراجعه می‌کند؛ مثلاً مقالات یا کتابهایی را درباره موضوع «تهاجم فرهنگی» می‌خواهد. کتابدار مرجع به کمک ابزارهای لازم همچون کتابشناسی، دایرةالمعارف نمایه‌ها و... در پی ردیابی اطلاعات درخواست شده به جستجوی لازم می‌پردازد. نقش کتابدار در این مرحله اهمیت بیشتری دارد.

۴- پژوهش:^{۲۳}

این نوع سؤالات، خاص پژوهشگرانی است که در زمینه مورد تحقیق خود اطلاعات کافی دارند ولی برای تکمیل اطلاعات تخصصی از کتابدار مرجع کمک می‌خواهند. به نظر می‌رسد نقش کتابدار مرجع در این مرحله، بسیار حساس است؛ زیرا مراجعه‌کننده، بخشی از اطلاعات مفید و ارزشمند را در اختیار دارد و کتابدار باید با فراست و

هوشمندی و از طریق ایجاد یک مصاحبه سطح اولیه اطلاعات وی را بسنجد و آنگاه پس از تشخیص مرز « نیاز واقعی» او به روش « آزمایش و خطا» به شناسایی و معرفی اطلاعات تکمیلی پردازد.

یکی از مشکلات کتابداران مرجع این است که برخی از پژوهشگران نسبت به یاری گرفتن از کتابداران در مسائل پژوهشی تردید دارند. وجود این نگرش در بین پژوهشگران نسبت به کتابداران مرجع یکی از موانع پژوهشگری است. البته کمبود کتابدار متخصص و مرجع شناس در کتابخانه‌های دانشگاهی، تخصصی و علمی کاملاً محرز است اما پژوهشگران نباید به صرف این کمبود نگرش منفی به اساس کار داشته باشند.

اینک با توجه به هدف اصلی مقاله، که همان سهولت استفاده از مراجع توسط پژوهشگران است، لازم است بخشی از مطالب در قالب یک « مصاحبه مرجع» بیان شود تا ضمن توجه بیشتر به مطالب گفته شده، مسیر ردیابی یک کار پژوهشی به کمک کتابدار مرجع مشخص گردد. شایان ذکر است که نمونه مصاحبه‌های ذیل، حاصل بخشی از تجربه و مشاهده علمی و عملی نگارنده در کتابخانه ملی است که با پژوهشگران مختلف انجام شده است.

(کتابدار مرجع در حال مطالعه و بررسی مطالبی از منابع، پشت میز مرجع نشسته است. سکوت کامل در فضای سالن کتابخانه حکمفرماست. هرکسی از اعضای کتابخانه، چه دانشجو، کارمند، علاقه مند به مطالعه و ... در گوشه‌ای مشغول مطالعه است. فردی با ظاهری آراسته به میز کتابدار مرجع نزدیک می‌شود. بعد از کمی تردید، تصمیم می‌گیرد از کتابدار، کمک بخواهد.)

مراجعه کننده: ببخشید سلام علیکم کتابهای مربوط به «ارتباطات ماهواره‌ای» کجاست؟
کتابدار مرجع: سلام علیکم شما تحقیقی در این زمینه دارید؟
- : بله من روزنامه نگارم و می‌خواهم اطلاعاتی در مورد ارتباطات ماهواره‌ای تهیه کنم.

- : بسیار خوب، بفرمایید بنشینید.

- : متشکرم.

- : اجازه دهید ابتدا.

م : معذرت می‌خواهم من وقت کافی ندارم. اگر یک کتاب هم باشد کافی است.
ک : چرا فکر می‌کنید تمام اطلاعات مورد نظر شما و خوانندگان مقاله شما در یک کتاب خلاصه می‌شود؟

م : منظور شما را نمی‌فهمم!

ک : ببینید، موضوع شما کاملاً جدید و در حال تحول است. هر روز اطلاعات جدیدی به آن افزوده می‌شود و این بحث اخیر دنیای معاصر است.

م : منظور شما این است که من باید اطلاعات بیشتری در این مورد به دست آورم.
ک : بله. کاملاً. شما به دو دلیل عمده باید نگرش اطلاع‌جویی را در خود تقویت کنید. اول اینکه روزنامه نگار هستید و دوم اینکه موضوع شما کاملاً بحث‌انگیز و جدید است. علاوه بر این یک پژوهشگر هرگز خودش را به منابع موجود محدود نمی‌کند؛ زیرا منابع موجود الزاماً همان منابع مطلوب نیست.

م : بحث جالبی است. ببخشید شما کارمند این کتابخانه هستید یا استاد دانشگاه و یا محقق؟

ک : من کتابدار مرجع هستم و کارم راهنمایی مراجعه‌کننده از طریق مصاحبه و گفتگوی مرجع است.

م : معذرت می‌خواهم من مایلم بحث را ادامه دهیم.

ک : بسیار خوب اما به یک شرط!

م : چه شرطی؟!

ک : به این شرط که شما به عنوان یک پژوهشگر واقعی مرا در تکمیل این موضوع کمک کنید و وقت کافی بگذارید در عوض ...

م : در عوض، خوانندگان این مقاله در روزنامه بطور کامل از ثمره تحقیق بهره‌مند می‌شوند.

ک: بله. همینطور است.

م: حالا بفرمایید از کجا شروع کنیم. بهتر نیست کتابها را ...

ک: باز که عجله کردید...

م: چطور؟!

ک: قرار نیست فقط چند تا کتاب برای این موضوع پیدا کنیم. بلکه هدف ما این است که راه‌های رسیدن به انواع اطلاعات را در این زمینه بیابیم.

م: بله این خیلی بهتر است.

ک: بسیار خوب، اول باید ببینیم چه کتابهایی در این زمینه در کتابخانه هست. برای این کار لازم است.

م: باید از برگه‌دان استفاده کرد.

ک: بله، اما برگه دانی که براساس موضوع مرتب شده باشد.

م: چطور؟

ک: ما سه نوع برگه‌دان داریم: مؤلف، عنوان و موضوع. وقتی نام مؤلف خاص و یا عنوان خاصی را در ذهن ندارید، باید از برگه دان موضوع استفاده کنید.

م: بله متوجه شدم اما چگونه؟

ک: کلمه «ماهواره» یا «ارتباطات» و یا «ارتباطات ماهواره‌ای» را در برگه‌ها که به ترتیب الفبا مرتب شده است، پیدا کنید.

م: خیلی ممنون. پس من با اجازه شما به سراغ برگه‌دان می‌روم.

ک: من هم در فکر یافتن روشهای دیگری برای شناسایی منابع بیشتر شما هستم و پس از جستجوی برگه‌دانها در خدمت شما هستم.

م: حتماً؛ خیلی متشکرم.

در شماره بعد، ضمن معرفی یکی از مراجع مهم، می‌کوشیم ادامه مصاحبه را در جهت شناخت این مرجع و روش بهره‌گیری از آن سوق دهیم. اما قبل از پایان دادن این مبحث، لازم است نکات ظریفی از این مصاحبه برای استفاده پژوهشگران ذکر شود. از محتوای گفتگو چنین بر می‌آید که پژوهشگر در ابتدا نسبت به نقش کتابدار مرجع

بی توجه بود و حتی در مورد طرح سؤال از او «تردید» داشت و صرفاً به دنبال پیدا کردن کتاب بود و «عجول» هم به نظر می‌رسید، اما با ادامه گفتگو متوجه شد که علاوه بر کتاب می‌تواند در بازیابی اطلاعات مورد نظرش از منابع و ابزارهای دیگری هم کمک بگیرد. در هر حال، نگارنده امیدوار است با طرح این سلسله مباحث، نقشی در باروری مؤثر تحقیقات داشته باشد و پژوهشگران با فراست و هوشمندی خود از این نوع مطالب استفاده کنند.

یادداشتها:

1- Reference Books

۲- سلطانی، پوری و فروردین راستین. اصطلاحنامه کتابداری. تهران کتابخانه ملی ایران ۱۳۶۵

3- Microfor

4- Flopy Disk

5- CD - Rom (Compact Disk Read and memory)

6- Index

7- Katz , William. A.

8- Reference Services

9- Rothstein , samuel

10- Adler , Alfred

11- William A.Katz . Introduction to Reference Work Vol.2 , New York : Mc Graw - Hill , 1974 . P . 6

12- Wajer , James

13- Conservative

14- Liberal

15- Moderate

16- Ibid

17- Reference interview

18- Faskett, D . J

- 19- D. J. Foskett. Information Service in Libraries. New York :Philosphical Library, 1961 . P . 75.
- 20- Directional questions
- 21- Ready questions
- 22- Specific search
- 23- Research

منابع:

- ۱ - حرّی، عباس، مراجع و بهره‌گیری از آنها. تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا، ۱۳۵۶
 - ۲ - رایس، جیمز، آموزش بهره‌گیری از کتابخانه. ترجمه نازنین قائم مقامی. فصلنامه کتاب، دوره سوم (۱۳۷۱)، ص ۴۳ - ۵۶.
 - ۳ - مرادی، نورالله. مرجع شناسی. تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۷۲.
 - ۴ - مرادی، نورالله. خدمات مرجع. فصلنامه کتاب، دوره سوم (۱۳۷۱)، ص ۸ - ۲۷
 - ۵ - یهودا، جراللد. گام به گام در روند مرجع. ترجمه ویدا بزرگ چمی، فصلنامه کتاب، دوره سوم (۱۳۷۱)، ص ۱۳۵ - ۱۴۹.
- 6- Foskett, D. J. Information Service in Libraries. Philosphical Library, 1961.
- 7- Katz, W.A. Introduction to Reference Work. New York: Mc Graw - Hill. 1974.